

## روش تذکره نگاری در پسته خزانسه



محمد هوتك بن داود در این کتاب که تنها ماخذ در ترجمه حال اوست، راجع به اوایل زندگی و زمان تحصیل خویش می نگارد : ((... جای اصلی دودمان ما مرغه بود ، که جدم قادر خان از آنجا به سوری آمد ، و در آنجا سکونت کرد ، بعد از مدتی به تقاضای نصیب و قسمت آمد ، و در اطراف قندهار به قریه کوکران سکونت گزید و پیشه وی زراعت بود ... پدرم که داود نام دارد در سال ۱۰۲۹ هجری در همین کوکران بدنیا آمده بود . و در آوان صباوت علوم را خوانده و در عصر خویش در جمله مو زنان و فصحا و علما دارای نامی بود ... آمدن من باین دنیای فانی ، یعنی تولد من واقع شده بود ۱۳ رجب المرجب سنه ۱۰۸۴ هجری در کوکران چون بسن تمیز رسیدم پدرم درس دادن را آغاز نهاد و تا سال هجدهم عمرا حکام دین وقفه و اصول و تفسیر و علوم و فصاحت مانند قافیه ، عروض ، بیان ، معانی و غیره را خواندم و بعد از آن به خواندن و نوشتن کتب میگذرد ، از نعم دنیا بهره ای ندارم و بدون این اشغال دلم هم خوش نمی شود ؟

با این سوابق علمی در خانواده و تحصیل محمد هوتك او آخر زندگی را نزد سلطان حسین در کتابخانه سلطنتی میگذرانید و با دانشمندان

در مسایل علمی و ادبی به بحث و شور پر داخت و این مطلب را در بیان احوال شاه حسین در پته‌خزانه میخوایم: (( پادشاه عالم پناه در ارگ قندهار در قصریکه نار نچ نامیده میشود هفته یکروز در کتا - بخانه دربار میکند ، ودر آن مجلس جمع می شوند ، شعراء و فضلاء را گرد میاورد . من محمد هوتک کاتب این کتاب هم در این مجلس میباشم و اشعار و ابیات پادشاه ظل الله را بقلم مینویسم ، و کتاب دیوان وی مرتب شده است گاهی به پبنتو شعر میگوید و وقتی هم بزبان پارسی میل میکند و با استادالعلماء ملایار محمد قرانت مینماید تاسه و دوسقم آنرا زایل نماید... ))

از این جاست که می توانیم بگوئیم : محمد هوتک از زبان و ادبیات عرب و شعر دری بهره کافی داشت زیرا در آن مجمع علمی و ادبی کالج نارنج که او در آن حاضر بود رجالی جمع بودند که در ادبیات عرب و زبان دری مطالعه کافی داشتند و حتی خود سلطان چنانکه گذشت به ادبیات دری علاقه داشت شعر دری میگفت و نزد ملایار محمد میخواند اصلا در آن زمان مطالعه عربی و دری جزو نصاب درسی در مساجد و مکاتب و مدارس بوده است بنابراین مؤلف در انشای این کتاب به کتب تذکره ترجمه رجال از عربی و دری توجه داشته و در تالیف آن از نظر محتوی و تبویب ابواب از نظر سبک معمول تذکره نگاری در ادبیات عربی و دری میباشد .

و اما هدف از تذکره نویسی در ادبیات عرب روشن ساختن زندگی رجالی بود که به نحوی در توسعه مدنیت اسلامی در وجوه مختلف آن دخیل بودند . و در این کار از سه نوع ماخذ استفاده میکردند :

(۱) روایات شفاهی ، مخصوصا در روزگاران قدیم و اوایل تذکره نویسی در ادبیات عرب . این کار تا مدتی معمول بود و حتی حمزه بن حسن اصفهانی در کتاب تاریخ سنی ملوک الارض و امر لانبیاء و حافظ ابوبکر احمد بن علی بن ثابت معروف به خطیب بغدادی در تاریخ بغداد از آن استفاده کرد .

(۲) استفاده از کتب و آثار گذشتگان با ذکر ماخذ یا حذف آن مثلا در تاریخ الاسلام و طبقات مشاهیر الاعلام از محمد بن احمد بن عثمان بن ابوالفضل شمس الدین الذهبی

(۳) بوسیله مکاتبه ، آشنا یسی بارجال ، نقل قوی مستقیم .  
در ادبیات دری تذکره نگاری تابع عربی بوده و در کتب ذیل می توانیم  
آنها بیابیم .

(۱) تاریخ های عمومی .

(۲) معاجم .

(۳) کتب جغرافیه واقا لیم .

(۴) کتب شرح وقایع به ترتیب تاریخ .

(۵) رجال .

(۶) احوال خانواده ها و قبایل .

(۷) ترجمه حال خود نویسنده .

اکنون با این سوابق تاریخی در روش انشای ترجمه احوال  
مپیر دازیم به تحلیلی از تذکره نگاری محمد هوتک  
در پنه خزانه . ضمنا باید متوجه بود که تذکره نویسی در همه جا و  
همه حال تابع شرایط محیطی است که مولف تذکره نویس یا مورخ  
در آن به انشای آثار خویش با وجوه مشترکی که در باره نوشتن  
ترجمه رجال در زبان های عربی و دری و پښتو موجود است مو لفین  
تذکره احوال در هر یکی از این زبان ها تابع شرایط اجتماعی بودند  
که در آن به انشای آثار خویش پرداختند .

محمد هوتک جهت تدوین تالیف استقرا عو اقی پرداخت چنا -  
نکه گوید : منکه محمد هوتک هستم و اصلا پښتون و در قند هار  
حیات دارم از مدتی است که پخواندن چنین سخنان شیرین مشغو لم  
و مشغله شب ها و روز های من همین ست وقت های زیاد گذشت  
میخواستم که تذکره شعرای پښتون را بنگارم و احوال آنها را جمع  
آوری کنم ولی زمان بمن فرا غی نداد و این آرزو در دل من خشکید  
آشکارا باد من از مدت سی سال بدین طرف احوال بسی از شعرا ی  
پښتون راجمع آوری کرده ام و ا وقاتی که در نواحی پښتو نخواه گشت  
و گذار داشتم از مردم احوال بسیار دلچسپ شعراء را شنیده ام و حال  
آنها را به خواهش پاد شاه ظل الله می نگارم . . . ))

مقدم روش استفاده از ماخذ رادبیات عرب همان روایات شفاهی است که ذکر آن آمد .

این روش را دانشمندان و مورخین تدوین حدیث و انشای کتب تاریخ و تذکره رجال بکار بردند و در نقد آن طریقه بنام استاد بکار بردند . روش استفاده از روایات شفاهی تا اوایل قرن پنجم هجری یازده میلادی ، زمان حیات خطیب بغدادی معمول بود و بعد از آن متدرجاً متروک شد .

و اما در پنبتو چون قسمت معظم اشعار و احوال شعرای آن بصورت شفاهی نزد پنبتون هاما نده بود محمد هوتک محرر بود از این روش استفاده کند و کاری را انجام دهد که قدما در مورد اشعار شعرای جاهلیت و اوایل اسلام و عصر اموی عرب انجام داده بودند . در استفاده از ماخذ کتبی پته خزانه مبنی بر کتبی نسبتاً زیاده است که با اختیار موالف یا از آن اطلاع پیدا کرده است . و برای این کار مدت ها مشغول مطالعه دواوین اشعار و احوال شعراء بوده . بعضاً روایت بدون ذکر ماخذ آمده مثل نقل است : که در آن وقت بارها مغول در کنار دریای ارغنداو می تاختند .

بیشتر روایات از زبان پدرش است و پدر در بعضی از موارد ماخذ را ذکر نموده . چنانچه در احوال شیخ تیمن میخوانیم (( پدرم قدس الله سره از کتاب بستان الاولیاء که شیخ المشایخ بستان بریخ در سال ۹۵۶ نوشته است چنین نقل کند : که شیخ تیمن پسر کاکر علیسه الرحمه بود چون وی به کوهستان غور رفت ، در آنجا ساکن شد بنا بر آن اکنون مردم اولادش را در کاکر نمی شمارند ولی اصلاً آنها از اولاد کاکر ند ... )) (ص ۲۵)

مواردی هم هست که به ذکر وقایع از زبان پدر ، بدون توضیح ماخذ اکتفا نموده : (( پدر من داود خان چنین حکایت کرد : که سور غر در این روز بخون مغول چنین آغشته شد که شعاع آفتاب آنرا میدرخشاند . نید . در این معرکه که پنبتون ها کم و ضعیف بودند وقتیکه مغول سرخ هجوم آورد چند نفر از نیرومندان خویشاوندان باپا هوتک کشته شدند ... )) (ص ۴)

محمد هوتک متوجه بوده است به ماخذ معتبر زبان و ادبیات پنبتو مراجعه کند (( شیخ کته در کتاب لرغونی پنبتانه از تاریخ سوری چنین

نقل کند که اسعد سوری در در غور میزیست او در آن جا بدور آن پادشاهی خاندان سور بسیار معزز بود شیخ اسعد پسر محمد بود (ص ۱۷) یا (چنین گوید کاتب این کتاب محمد : که ملا الله یار الکوزی در تحفه صالح نگاشته است که شیخ محمد صالح از قوم الکوزی در (ص ۴۱) جلدک میزیست عابد و عالمی بود که وقت خود را بتدریس میگذرانید و ارشاد خلق الله میکرد . . .

قسمت معظم ماخذ پته خزانه چون لرغونی پنبستانه ، تحفه صالح ، اعلام اللو ذوغی فی اخبار اللودی ، راشالا الفقراء تذکره مرغبنست و امثال آن امروز نیست بطور یکه اگر کتاب پته خزانه نمیبود از نام آن ها هم اطلاع نداشتیم اما مواردی از چنین مأخذی استفاده شده است : ((چنین نقل کند : خواجه نعمت الله هروی نورزی در مخزن افغانی که بدوران جهانگیر پادشاه آنرا نوشت : که شیخ عیسی بقوم مشوانی بود و در دامله سکو- نت داشت و در عصر شیر شاه زنده بود . . .)) (ص ۲۹) .

اما بحث نقد ماخذ در پته خزانه نیست و نباید چین خبری را انتظار داشت زیرا کتب مورد استفاده زیاد نیست و آنچه از روایات که رسیده است حکم جزمو حد را دارد در تذکره های دری نیز وضع به همین ترتیب بوده. نخستین تذکره دری لباب الالباب محمد عوفی بقول محمد بن عبدا لوهاب قزوینی (و استدعمال استعارات سمج و تشبیهات بارد و تشجیعات متکلف ثقیل و خباسات متکره است که از وراء آنها ، هیچ معنی بخیک خوانده نمی آمد و نیز منتخباتی که از اشعار شعرا میدهد بسیاری از اوقات اشعار متوسط بلکه اشعار روی ایشان است بطوریکه از روی این منتخبات ، نمی توان بیک اسلوب شاعر مجو شاعنه پی برد . . .))

به تذکره دولت شاه که از قدم واهم تذکره های فارسی است باز هم همین دانشمند نویسد : ((ملاحظه بکنید تذکره دولت شاه را که بگمان خویش او لین تذکره است که نوشته شده است و مقایسه کنید آنرا بالباب الالباب خواهد دید که اغلب شعراء و متقدمین به خصوص معاصرین صفاریه و سامانیه و غزنویه و تراجم ایشان در لباب مذکور است به کلی از دولت شاه فوت شده است و حتی اسم ایشان را نیز نشنیده بوده است که بطور استطراد نامی از ایشان

ببر دو تراجم آنهایی را نیز که ذکر نموده است غالباً طرف و ثوق نیست  
و شبیهست بحکایات بی ما خذ و افسانها و اکا ذیب و نحو آن  
و اکاذیب و محصولات دلخوا آن ...

در قسمت استفاده از مسموعات و اقوال معاصرین و اطلاعات شخصی  
باید گفت که يك فصل پته خزانه ترجمه حال معاصر ان میباشد و در  
آن روش تذکره نویسان متأخر عرب از آشنایی با دوستان و مسمو-  
عات مولف استفاده شده است. در احوال ملا باز نوحی مثلاً میخوانیم :

((ملا باز توخی در اتغر سکونت دارد ، در اصناف سخن استاد است  
غزل و رباعی میگوید و انباز شعر است و بامن که محمد هوتکم همراز  
وقتیکه بقندهار میاید بزم مارا گرم می سازد و یاران از لطافت طبعش  
ممنون می شوند ... (ص ۵) و یا «ریدی خان ولد غیاث خان است .  
نواسه مسعود خان مهمند است که قریه مهمند بنام آنهاست غیاث خان  
همراز و همراه حاجی میر خان علیین مکان بود و ریدی خان حالا  
شخص فعال و با آشنا یان همبازو شاعری است بحضور پادشاه  
ظل الله قریبی دارد و صاحب شوکت و مکنت است بر آشنا یان  
مهربان است وهم صحبت کا تب الحروفست )) . (ص ۶۱)

در تذکره های عربی و در ترجمه حال بیشتر مشتمل است بر مختصری  
از بیان احوال شغل ، تحصیل ، استادان و آثار شاعر یا نویسنده  
گاهی هم مختصر از اخلاق شخصی او تذکره نویسان عربی و در تمام  
این مطالب در بیان احوال يك شخص به مشکل توانسته اند  
مراعات و چه بسا که بعضی در ایشان در موارد بذکر نام اسم پدر و محل  
سکونت و نمونه کلام اکتفا نموده اند بندر ابن داس خوشگو مثلاً در  
سفینه خوشگو راجع به میر شمس الدین سند می نویسد : ولد میر  
معصوم وجدان است در لاهور همراهی پدر میگذراند مشق سخن  
بسیار کرده دو بیت از او بگوش خورده ده :

چه می پرسی چها از طالع ناسازی آید

دعا از چرخ جون تیر هوای باز میاید .

یاسید عبدا لوهاب افتخار د ر تذکره بینظیر راجع به غوا ص  
نوشت : (نامش آقا عبدالله خلف آقا شفیعا از مردم ایران بود ، پدرش

تجارت میکرد غواص چنین سخن را از بحر سخن بر میاورده.

دل روشن ضمیران وسعت بسی منتها دارد

جهان در فضای خانه آینه جا دارد .

یا راجع به عزت گفت: از شعرا ی کشمیر فردوس نظیر است او می گوید :

قیامت در رکاب سرو دلجوی تو میاید

که کار آفتاب حشر از روی تو میاید .

گاهی هم به ذکر تخلص و نمونه کلام اکتفا شده است . طبقات

الشعراء راجع به غافل می نویسد : از غافل است . .

پته خزانه در مراعات این مطالب دقیق تراز تذکره های مشا به دری است و در آن اوایل زندگی تحصیلات و گاهی هم خصوصیات زندگی رجال را بیشتر می یابیم و اینک مثال آنرا در بیان احوال بنکارندوی می بینیم : (از غور بود بدان که شیخ کتبه متی زی رحمت الله علیه نبشته است در کتاب لر غونی پنبستانه که از تاریخ سوری نقل کرده : که بنکارندوی ساکن غور بود ، گاهی در غزنه و بست میزیست پدرش احمد نام میداشت و کو توال فیروز کوه وغور بود .

بنکارندوی در زمان پادشاهی سلطان الدین محمد شهنشانی معزز و دارای مقام محترمی بود ، وقتیکه سلطان موصوف برهند میتا خت بنکار ندوی که شخص شاعرو عالمی بود نیز در لشکر سلطان بود . چنین گویند : که بنکار ندوی در مدح سلطان محمد سام ، و سلطان غیاث الدین غوری ، قصاید مدحیه دارد که آنرا بوللی گویند محمد بن علی گوید که در بست يك کتا ب ضخیم قصاید وی را دیدم و این قصیده را که در مدح محمد علیه الرحمه است از آن نگاشتم :

پسرلی بنکلو نکلی بیا کسره سینگار ونه

بیاولو نل به غرونوکی لالونه

ذکر تاریخ ، در کتب تاریخ و تذکره بقول مرحوم قزوینی از اهم موا ضیع تراجم رجال است .

که در بعضی از تذکره های درمی مثلا لباب الالباب جهلا یا غفلتاً نیامده است . از لحاظ ذکر تاریخ پته خزانه به مقایسه غالب تذکره های درمی بخصوص ص معا صریح خودش دقیق میباشد . و تراجم احوال در آن باقید سنه ولادت یاوفات و احیاناً هر دو آمده است : ((نقل کنند : که شیخ متی قدس الله سره به سال ۶۲۳ هجری متولد گردید (ص ۱۱) و به عمر ۶۵ سالگی در کنار دریای ترنگ وفات یافت)) یا نقل کنند که خرشبون ببارفت در مرغه ساکن گردید و هم در آن جا وفات یافت سال هجری ۴۱۱ .... ))

تاریخ در پته خزانه بعضاً حذف شده اما زندگی رجال را در زمان یکی از پادشاهان که روزگار او روشن است بیان نموده در احوال شیخ عیسی مشوانی مثلا میخوانیم ((که شیخ عیسی بقوم مشوانی بود و در دامله سکو نت داشت و در عصر شیر شاه زنده بود (ص ۲۹) البته مواردی هم هست که تاریخ کاملاً حذف گردیده (رجوع کنید به بیان احوال گل محمد مسعود در پته خزانه) .

از نظر تبویب ابواب پته خزانه منقسم است به یک مقدمه ، سه خزانه و خاتمه که خزانه اول آن از قدما و دوم از معاصرین بحث می نماید و خزانه سوم هم گفتاری در بیان حال شعرای نسوان تبویب ابواب و تقسیم فصول در تذکره نگاری عربی و درمی بحثی مفصل و طولانی و متنوع . در دو قسمت اخیر اخیر آن در ادبیت ادبی کتابهای مستقلی نیز نوشته شده است مانند تذکره مردم دیده از عبدا لحکیم حاکم لاهوری مشتمل بر شصت و سه نفر از کسانی که مولف آنان را بچشم خویش دیده است ترتیب حروف تہجی در دو باب یا خاتمه ای و ذکر مولف و ضمیمه ای در احوال خواجه محمد قاسم و لاحقہ ای در ترجمه مرزا او ریگی خان . وزبده المعاصرین از سید میر حسن حسینی شیرازی مشتمل بر یک صد و شش شاعر معاصر : هفت شاعر هندی ، هشتاد و نه شاعر ایرانی و ده شاعر ایرانی به ترتیب حروف تہجی . و جواهر العجایب از امیر فخری هروی که معاصر اکبر گورگانی هند بود و این کتاب را برای ماهم بیگم بنت محمد مقیم ارغون ، که در عقد قاسم کوکه بود و بعد در از دواج شاه حسن ارغون آمد ، انشاء کرد و در آن احوال زنان شاعره را از عایشه وفا طمة



زهرا تانسایی نوشت و در خاتمه کتاب گفت : ((دیگر هم از این طایفه لطیف طبعان باشد . اما آنچه یافت شد ، فراهم آوردم .))  
و اما در طرح کلی تدوین در مباحث قدما ، معاصرین و شاعران نظایری با تصرف در تذکره های فارسی از معاصرین ، اندکی قبل و بعد محمد هوتک موجود است . که اینک باختصار با آن اشاره می شود ...

(۱) سفینه خوشگو تالیف بندر ابن داس متخلص به خوشگو در ۱۱۳۷ - ۱۱۴۷ تذکره عمومی مشتمل بر سه دفتر در ذکر ۱۶۱۸ شاعر با ترتیب زمانی بدین شرح (۱) دفتر اول در ذکر ۳۶۲ شاعر متقدم از رودکی تا کافی ظفر همدانی .

(۲) دفتر دوم در ذکر ۸۱۱ شاعر از عبدا لرحمن جامی تا شگونی گلپایمگانی معاصر شاه جهان .

(۳) دفتر سوم در ذکر ۲۴۵ شاعر معاصر ، چه هندی و چه مقیم هند ، از ناصر علی سرهنندی تا منشی سرب سنگه خا کستر تخلص .

(۴) مخزن الغرایب احمد علی خان هاشمی سندیلوی مشتمل بر تراجم سه هزار یک صد و چهل و هشت شاعر قدیم و جدید ترتیب حروف تجہی از ابوسعید ابوالخیر تا یوسف بیگ بخارایی و هر حرفی به سه قسمت تقسیم شده : متقدین ، متوسطین و متاخرین ، معاصرین .

(۵) مجمع الفضلا تالیف خواجه محمد عارف بقایی بخاری از شعرای او آخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم این تذکره مشتمل است بر یک مقدمه و سه فرقه و یک خاتمه . در مقدمه مولف بحثی دارد در ذکر احوال شعرای عرب ، و در فرقه اول احوال شعرای قدیم زبان دری را از رودکی تا جامی بیان میکند . در فرقه دوم احوال متوسطین را میاورد . فرقه سوم آن مشتمل است بر احوال معاصرین آن خواجه محمد عارف مرموز .

اما احوال زمان شاعره در تذکره های معاصر محمد هوتک آمده است مرآت خیال از شیر علی خان لودی در ۱۱۰۲ هجری ، که تذکره کوچکی

است مشتمل بر تراجم ۱۳۱ نفر بحتی دارد در احوال پانزده تن از زنان شاعره اما مولف که فصل مستقلی در احوال شعرای نسوان آورده است مثل اینکه نفحات الانس عبد الرحمن جامی را در نظر داشته است و آن کتاب مشهور است در احوال مشایخ صوفیه که تراجم سابقین را از طبقات الصوفیه خواجه عبدالله انصاری گرفته و غیر آن عرفای شاعر در ضمن تراجم شعرای عارف نیز هست و بحث دختران در ذکر زنان متصوفه یا بقول مولف انشاء العارفات واصلات الی مرا- تب الرجال میباشد .

و اما بیان حال خود مولف که در خاتمه کتاب پته خزانه آمده است، در تذکره های دری معمول بوده مثلاً همین تذکره مردم دیده که ذکر آن قبلاً آمد در خاتمه بعنوان شمه ای از احوال خود مولف و ذکر حالات بزرگان شفیق ترجمه حال خود را می نویسد .

ماخذ :

(۱) زبدة المعاصرین از سید میر حسین الحسینی الشیرازی باهتمام محمد باقر ، لاهور ، ۱۹۶۲ .

(۲) تذکره مردم دیده از عبدالحکیم حاکم، باهتمام دکتر سید عبدالله انتشارات اکادمی ادبی پنجاب، لاهور ۱۹۶۱ .

(۳) نفحات الانس از عبد الرحمن جامی ، لاهور ، ۱۹۶۲ .

(۴) تاریخ تذکره های فارسی ، احمد گلچین معانی ، تهران ، ۱۳۴۸ .

(۵) سفینه خوشگو ، بندر ابن داس خوشگو، باهما م سید شاه محمد عطاء الرحمن عطا کاکوی پتنه بهار ، ۱۹۵۹ .

(۶) تذکره بینظیر ، از سید عید لوهاب افتخار ، الله آباد . ۱۹۴۰

(۷) روضة السلاطین ، جواهر العجایب از فخری بن امیر هر وی به تصحیح و تحشیه سید حسام الدین راشدی، سندی ادبی بورد حیدر آباد ص ۱۹۶۸ .

(۸) پته خزانه از محمد هو تک به تحشیه و تعلیق پوها ند حبیبی کابل ۱۳۵۴ .

(۹) طبقات الشعراء از قدرت الله شوق باهتمام نثار احمد فاروقی مجلس ترقی ادب لاهور ۱۹۶۸ .